ادامه از صفحه اول

گزارش یک اتفاق تازه

۱- فعال‌ترشدن مراکز تولید فیلم و آثار کوتاه و نیمه‌بلند و بلند، مانند انجمن سینمای جوانان ایران در کنار بنیاد سینمایی فارابی که می‌تواند برای سایر ارکان‌ها و نهادهای حامی و تولیدکننده فیلم، الگویی مناسب برای همکاری‌های آتی باشد. همچنین امکان جلب و جذب سایر ارگان‌ها و نهادهای دارای سرمایه و ظرفیت‌های همکاری، به منظور مشارکت در برگزاری المپیاد فیلم‌سازی، در آینده، به وجود آمده است.

۲- شناسایی و فرصت‌آفرینی برای استعدادهای نوظهور عرصه فیلم‌سازی کوتاه به صورت عادلانه از سراسر کشور که می‌تواند برای این نوجوانان و جوانان، خودباوری و ترغیب لازم را برای ساخت فیلم‌های آتی به ارمغان آورد. همچنین جوانان و نوجوانان المپیادی می‌توانند الگوهای مناسبی برای هم‌سن‌وسالان شهرها و استان‌های خود و دیگر نقاط کشور باشند.

۳- آموزش در کنار مرور آثار فیلم‌سازی به نوجوانان و جوانان برگزیده این المپیاد که پس از طی این دوره، هریک می‌توانند در شهر و دیار خود این آموزش‌ها و اندوخته‌ها را اشاعه دهند.

۴ - حضور پیش‌کسوتان و هنرمندان عرصه سینما در کنار شرکت‌کنندگان نوجوان و جوان، در دوره‌های پیشین نیز به صورت پراکنده و در نشست‌های تخصصی امکان‌پذیر بود، اما در هیچ دوره‌ای از جشنواره فیلم‌های نوجوانان، برقراری ارتباط میان نسل قدیم و کارکشته سینما با نوجوانان و جوانان امروزی کشور با عنوان «المپیاد فیلم‌سازی»، به این شکل شفاف و بی‌واسطه نبوده است. بزرگان سینما و هنر کشور، مانند آقایان کیومرث پوراحمد، حمید جبلی، مجتبی راعی، وحید نیکخواه‌آزاد، ابراهیم فروزش، کامبوزیا پرتوی، مجتبی اقدامی، خانم مرضیه برومند و... به همراه دبیر جشنواره، آقای علیرضا شجاع‌نوری -که ایده اولیه برگزاری المپیاد از آن اوست- در ایام برگزاری جشنواره همدان و المپیاد، دیدارهای مستقیم با برگزیدگان المپیاد فیلم‌سازی داشتند و به تبادل نظر و انتقال دانش و اندوخته‌های گران‌قدر خود پرداختند.

۵- در ارتباطات رودررو و بی‌واسطه حاضران در جشنواره، تنوع و جذابیت‌های فرهنگی و بومی و نژادی و قومی، به حدی چشمگیر بود که فیلم‌سازان نوجوان این عرصه، به نوعی سفیران فرهنگ و اقوام ایرانی بودند و فیلم‌های این نوجوانان برای داوران نوجوان و بین‌المللی و مخاطبان عام، ایرانی یکپارچه و سراسر تنوع، همراه با مفاهیم زیبا و دلنشین نسلِ جدید را به نمایش درآورد.

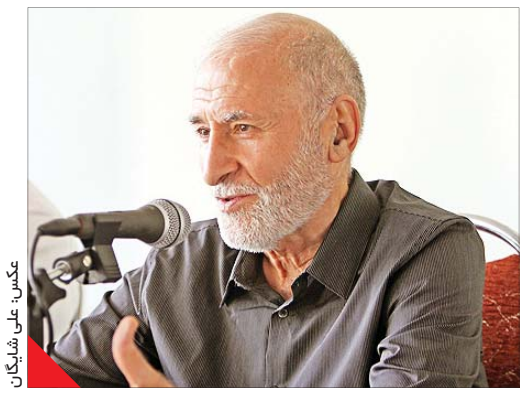
۶- تعلیم اخلاق‌مداری و روحیه همیاری و جمعی و همراهی برای ارتقای کمی و کیفی جشنواره با اضافه‌شدن المپیاد فیلم‌سازی، شور و شوق کم‌نظیری در میان شرکت‌کنندگان و مخاطبان پدید آورد تا حدی که برگزاری المپیاد فیلم‌سازی و ارائه نتایج آن به عنوان «استان» برتر و «فیلم‌ساز نوجوان» برتر، عملکرد اهالی رسانه و مطبوعات و ستاد برگزاری جشنواره را تحت‌الشعاع قرار داد.

۷- برگزاری این المپیاد با حضور ۸۰ فیلم‌ساز جوان و نوجوان دختر و پسر در سالن پلاتوی مجتمع شهید آوینی همدان و تماشای ۸۸ فیلم برگزیده از ۳۱ استان در برنامه‌ای سه‌روزه، اخذ آرای داورانِ این المپیاد در روندی دموکراتیک، حضور آنان در نشست‌های تخصصی شبانه در سالن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به صورت مستمر و نیز شرکت در گفت‌وگوی‌های تخصصی پیش‌کسوتان سینما با المپیادی‌ها و... نظم و انضباط خاصی داشت. تداخل‌نداشتن با سایر برنامه‌ها و بی‌هدف حضورنداشتن این حجم از حاضران در فضاهای عمومی جشنواره، نشان از برنامه‌ریزی دقیق و منظم همکارانمان در این بخش داشت که به گواه اعضای دبیرخانه جشنواره و اهالی رسانه، در دوره‌های جشنواره‌های کودک و نوجوان تا به حال دیده نشده است.

ادامه در صفحه ۸

بهزاد نبوی از دولت‌های اول انقلاب می‌گوید

دولت‌های صفر کیلومتر رفوزه نشدند


عکس: علی شایگان

زهرا مهدور: «دیگر دارم مشکوک می‌شوم، مگر خبری است که این‌قدر با من عکس می‌گیرید!» این جمله را خنده‌وار خطاب به کسانی می‌گوید که در حیاط مؤسسه دین و اقتصاد از او عکس می‌گرفتند. در عرض یک‌ساعت‌و۳۰ دقیقه گزارش تاریخی دقیقی را از کارنامه اقتصاد ایران در دوران جنگ به تصویر می‌کشد. در ابتدای جلسه فرشاد مؤمنی می‌گوید؛ مهندس بهزاد نبوی واقعا بزرگواری کردند که دعوت ما را پذیرفتند و به مؤسسه آمدند؛ البته اگر می‌دانستند که باید این چهار طبقه از پله‌ها بالا بیایند، شاید تردید بیشتری در حضور به اینجا داشتند. اما در جواب به مؤمنی می‌خندد و می‌گوید: در بالارفتن از پله‌های ساختمان تردید داشتم که این پیرمردها بگویند نمی‌توانم بالا بیایم، اما علت اصلی تردید من این بود که در مورد مسائل ویژه اقتصادی چیزی در چنته ندارم که در جمع کارشناسان ارائه دهم. به دوستان هم گفتم که اگر بیایم فقط نوعی بیان خاطرات کردم آن هم در حدی که فقط حافظه معیوب ۷۴ساله‌ام به من اجازه دهد. من نه کارشناس هستم و نه عالم اقتصاد، مطالعات اقتصادی خصوصا در سال‌های اخیر هم اصلا نداشتم اما با این‌حال دوستان پذیرفتند که ما اینجا کمی قصه بگوییم. مؤمنی صریحا می‌گوید که صحبت‌های ایشان را باید به حساب شکسته نفسی گذاشت. قصه‌اش را با این جملات شروع می‌کند؛ هر آنچه را که می‌گویم صرفا رجوع به حافظه ضعیفم است؛ چون فرصت اینکه مدارک موجود را در زمینه اقتصادی دوران دفاع مقدس مطالعه کنم، نبود؛ یک‌سری یادداشت‌های شخصی از دوران مسئولیت‌هایم و راجع به بیانیه الجزایر داشتم که آنها را هم ندارم؛ آن یادداشت‌ها به دَرد چنین بحث‌هایی می‌خورد که الان از دست رفته است.

وضعیت اقتصادی دوره جنگ را به سه دوره تقسیم کردم. دوره اول، تشکیل دولت رجایی و آغاز جنگ، دوره دوم، از سال ۶۱ تا ۶۴ و دوره سوم سال‌های ۶۵ تا ۶۸ است. این سه دوره به لحاظ اقتصادی قابل بررسی است. دوره اول شروع جنگ است و در روز ۲۲ شهریور کابینه شهید رجایی، تشکیل شده بود و می‌خواستیم برای معرفی کابینه به خدمت امام برویم. در ایوان دفتر امام نشستیم که به یکباره خبر دادند عراق به غرب کشور حمله کرده است. شاید بتوان گفت؛ اولین و مهم‌ترین تصمیماتی که در دولت گرفته شد، ستاد بسیج اقتصادی بود و تصمیم ضربتی را هم خودِ آقای رجایی گرفت که آن‌هم افزایش قیمت بنزین از ۱۰ به ۳۰ ریال بود دولت هم فوری تصویب کرد. آن موقع بنابر این شد که تشکیلاتی به نام ستاد بسیج اقتصادی، در سازمان مدیریت یا سازمان برنامه شکل بگیرد. تا آنجایی که می‌دانم مرحوم مهندس سحابی، هم مسئولیت آن ستاد را به عهده داشت. در واقع از صفر شروع کردیم. هفته‌ای دو سه روز در ستاد بسیج جلسه داشتیم و یک کمیته‌هایی مثل کمیته توزیع، سوخت و انرژی، حمل‌ونقل و صنایع زیر مجموعه آن بودند که هر کدام از این کمیته‌ها، مسئول بخشی از کارهایی بودند که ستاد بسیج به عهده داشت. ستاد بسیج شکل گرفت، تا مانع از بروز بحران‌های مرسوم و معمول در زمان جنگ باشد.

نیامده بود که برنامه‌ریزی بلندمدت کند، یا سیاست‌های اقتصادی کشور را تعیین کند، بلکه آمده بود تا از مشکلات فوری که بعد از هر جنگی ممکن است بروز کند، جلوگیری کند. مهم‌ترین تصمیمی که در کمیته توزیع گرفته شد، سهمیه‌بندی کالاهای اساسی و سوخت، کنترل توزیع بعضی از کالاهای مهم، بررسی الگوی مصرف بعضی از اقلام و کالاها در ارتباط با جنگ بود. مثلا یک کالایی امکان وارداتش کم بود، اما سعی می‌شد که مصرف آن کنترل و یا جهت داده شود. یک سری از کالاها با کوپن به صورت سهمیه‌ای و با قیمت مشخص در اختیار مردم قرار می‌گرفت؛ یک سری از کالاها از طریق دفترچه ستاد بسیج اقتصادی به افراد داده می‌شد. بخشی هم از طریق تعاونی‌های کارمندی و کارگری و تعاونی‌ها بین مردم توزیع می‌شد که تلاش می‌شد که همه این کارها توسط مجموعه‌ها انجام شود.

دولت سعی می‌کرد کوچکترین دخالتی در امر اجرای توزیع نداشته باشد. کاری که فقط دولت انجام می‌داد، این بود که اگر به فرض کالایی سهمیه‌بندی بود، مقدار توزیع آن را مشخص و مناسب با آن از توزیع کننده‌های جزء کوپن دریافت می‌کرد. به این ترتیب، هم قیمت و مقدار کنترل می‌شد. در روش‌های دیگر توزیع هم امکان افزایش بی رویه قیمت کالا وجود نداشت. علاوه بر کالاهای اساسی، سوخت هم از کالاهایی بود که توسط سیستم کالابرگ، بین مردم توزیع می‌شد. کمیته دیگری که تشکیل شد، کمیته حمل‌ونقل بود. در همان چند روز اول جنگ عمده‌ترین بنادر تجاری ما یعنی خرمشهر و بندر امام از دست ما رفت. به‌ناچار باید سراغ بوشهر و بندرعباس می‌رفتیم؛ تجهیز آن بنادر به ایجاد سیستم حمل‌ونقل منظم و مرتب و بسیج ناوگان حمل‌ونقل و امکانات و تجهیزات برای راه‌اندازی نیاز داشت. بخشی از کار کمیته سوخت و انرژی، سهمیه‌بندی سوخت بود و کار دیگر این کمیته ان بود که قیمت برق را برای اولین‌بار به‌صورت پلکانی تعیین کرد. قیمت برق را زیاد کردند زیرا محدودیت تأمین سوخت برای نیروگاه‌ها مطرح بود و اگر مصرف برق بالا می‌رفت دچار خاموشی‌های زیادی می‌شدیم بنابراین تنها راه این بود که قیمت انرژی به شکلی باشد که مصرف کنترل شود. کمیته صنایع هم تمام تلاشش این بود که تولید کشور در اثر جنگ متوقف نشود. مسئولیت کمیته کالاهای اساسی برعهده وزارت بازرگانی بود و جای دیگری دخالت نمی‌کرد. مسئولیت کمیته حمل‌ونقل با وزارت راه‌وترابری بود، مسئولیت کمیته سوخت و انرژی با وزارت نفت و مسئول کمیته صنایع هم وزارت صنایع بود. کارهای مهمی هم که این ستاد برای آن بسیج شد، سهمیه‌بندی‌هایی بود که اگر انجام نمی‌شد کشور شدیدا دچار کمبود و بحران می‌شد. روغن‌های خوراکی تقریبا همه وارداتی بودند. کار کارخانه‌های روغن‌سازی فقط این بود که با تزریق هیدروژن در روغن‌های مایع، آنها را به روغن جامد تبدیل کنند. در آن سال‌ها هنوز روغن مایع خوردن خیلی مُد نبود. تمام تانکرهایی که مخازن ذخیره روغن مایع داشتند، در بندر خرمشهر بودند. با اشغال بندر خرمشهر، ذخیره یک هفته‌ای روغن هم نداشتیم و مجبور بودیم فوری سهمیه‌بندی کنیم تا قابل کنترل باشد. اگر روغن نرسیده بود، با زمان بازی می‌کردیم و بلافاصله از آن طرف، کمیته صنایع مأمور می‌شد در بندرعباس به‌طور ضربتی شروع به تأسیس مخازن ذخیره روغن خام کند که این کار هم زمان‌بر بود.

ابتدا تانکرهای موقتی گذاشتند تا مملکت گیر نماند و بعد تانکرهای دائمی طراحی شد. عمدتا همه قند و شکر از طریق واردات تأمین می‌شد. مجبور بودیم مصرف قند و شکر را هم کنترل کنیم. باید ارز تخصیصی به قند و شکر را هم کنترل می‌کردیم. در بندرعباس هم باید مکانی ایجاد می‌شد تا امکان واردات یک میلیون تن شکر در سال را داشته باشد.

یکی، دو کارخانه مهم شوینده هم که در خرمشهر بود، از دست رفت. بقیه کارخانه‌ها درگیر مواد اولیه وارداتی بودند. اینها هم مشمول سهمیه‌بندی شدند و کالابرگ توزیع شد. در بین این کالاها تنها تلاش ستاد بسیج اقتصادی این بود که نان سهمیه‌بندی نشود.

تمام تلاشمان این بود که حداقل نیاز همه مردم به قیمت ثابت تأمین شود. البته همان موقع هم مخالفت‌های شدیدی وجود داشت. مثلا شعارهایی داده می‌شد مبنی بر اینکه کوپنیزیم یعنی کمونیسم، درحالی‌که کلیت این تصمیم‌های اقتصادی در زمان شهید رجایی و در جلسات سران قوا با حضور شهید بهشتی، آقای هاشمی، آقای رجایی و من هم به صورت نخودی مورد تأیید قرار می‌گرفت. به یاد دارم آقای بنی‌صدر و دوستانش می‌گفتند که اینها می‌خواهند کشور را کمونیستی کنند و سهمیه‌بندی راه انداختند. خوشبختانه با حداقل هزینه و ضرروزیان، آن دوره پشت‌سر گذاشته شد. یادم می‌آید تورم سال ۵۹ و ۶۰ حدود ۲۱ یا ۲۲ درصد بود که البته این تورم زیاد بود اما در شش ماهه دوم سال ۵۹ تورم قبل از اینکه ما بخواهیم کار کنیم جهشی بالا رفت. البته بخشی از این تورم به‌خاطر افزایش قیمت بنزین بود. اما بیشتر این تورم در سال ۵۹ مربوط به اثر روانی شروع جنگ است که رشد نرخ تورم به ۲۲ تا ۲۳ درصد بود. در سال ۶۰ رشد نرخ تورم کمتر شد. آخرین نکته‌ای که خیلی بحث‌برانگیز هم بود، طرح برنج بود که در ستاد بسیج اقتصادی مطرح شد. ماجرای طرح برنج از این قرار بود که به دلیل محدودیت و مشکلات واردات و هم به دلیل کمبود ارز برای کشور، سالانه یکی، دو میلیون تن برنج وارد می‌کردیم البته آن موقع هنوز ارز کم نشده بود، اما فکر می‌کردیم که جنگ است و ارز کشور باید ذخیره شود. وزارتخانه‌های جهاد و کشاورزی به طور مشترک این طرح را دادند که الگوی کاشت برنج را تغییر دهیم. برنج‌های پرمحصول را جایگزین برنج‌های کم‌محصول کنیم. آن‌موقع هنوز تنها جایی که برنج کاشته می‌شد، گیلان و مازندران بود و اراضی قابل‌کشت محدود بود. تنها راهی که می‌توانستیم افزایش تولید بدهیم، افزایش تولید در واحد سطح بود. براین‌اساس طرح برنج شکل گرفت. تلاش خیلی زیادی هم انجام شد تا دولت در امر توزیع نقش نداشته باشد. تنها کاری که کردیم این بود که قیمت‌گذاری برنج در ستاد بسیج اقتصادی انجام شود. برای نمونه برنج‌های پرمحصول را نصف قیمت برنج صدری دم‌سیاه مرغوب گذاشتیم درحالی‌که محصولش شش‌برابر بود تا کشاورز تشویق به کاشت شود. ما باید کاری می‌کردیم که برنج پرمحصول وارد بازار مصرف شود. به عقل‌مان رسید که آنجا را قیمت‌گذاری کنیم. گفتیم که تجار برنج را وارد کنند و بعضا هم بازرگانان دولتی در صورت مشکل کار واردات را برعهده می‌گرفتند. اینجا هم تصمیم گرفته شد تا برنج با کالابرگ بین مردم به قیمت‌های معین توزیع شود. درباره کنترل برنج و توزیع آن هم به عقل‌مان رسید که جاده‌های شمال را برای خروج برنج کنترل کنیم. اما برخی گفتند که اشکال دارد و اشکالات شرعی هم پشت‌سرهم آمد. مرحوم آقای مهدوی‌کنی که خدا رحمتشان کند، خیلی از ستاد بسیج اقتصادی حمایت می‌کردند. به آقای مهدوی‌کنی گفتیم که تنها چاره این است و خدمت امام رفتیم. امام گفتند که هیچ مشکلی ندارد. مگر جاده‌ها برای دولت نیست. شما بخواهید هرچه از این جاده‌ها عبور می‌کند را بررسی کنید. مجوز شرعی این کار را هم آقای مهدوی‌کنی گرفت و ما هم با آن روش شروع کردیم.

اما طرح برنج کمر ستاد بسیج اقتصادی را شکست چون لطمه‌های فراوانی به تجارت زد و قانع‌کردن دوستان مشکل بود. ما حتی میزان سود تاجر و خرید کشاورز را در قیمت‌گذاری‌ها در نظر می‌گرفتیم و آخر خط از فروشنده کوپن می‌خواستیم که به همان قیمت به مردم بفروشد. این ماجرای دوره اول بود که فکر می‌کنم در آن، رفوزه نشدیم.

دوره دوم سال‌های بین ۶۱ تا ۶۴ است که دوره شکوفایی نسبی اقتصادی کشور بود و فروش نفت ما متعادل بود. سال‌های ۶۰، ۶۱ و ۶۲ حدود ۲۰ میلیارد دلار، سال ۶۳، حدود ۱۷ میلیارد دلار و سال ۶۴، حدود ۱۳ میلیارد دلار نفت فروختیم. این میزان فروش نفت به نسبت ۱۳۰ و ۱۴۰ میلیارد دلار هشت‌ساله دوره آقای احمدی‌نژاد در حدود یک‌پنجم و ششم بود. در دوره دوم تا سال ۶۴ درآمد ارزی قابل قبول بود. نتیجه این وضع، این شد که در کنار همان اقتصاد جنگی، سهمیه‌بندی در سال‌های بعد حفظ شد. فشار روی افزایش تولید و سرمایه‌گذاری و کاهش تورم آمد.

کاهش تورم هم ناشی از رکود نبود، بلکه ناشی از افزایش عرضه بود. من خودم آن موقع در صنایع سنگین بودم. در آن سال‌ها هیچ‌یک از کالاهای تولیدی صنایع سنگین بازار سیاه نداشت. غیر از خودروی سواری که قیمت در بازار آزاد بالا می‌رفت و دولت هم به این قضیه اهمیت نمی‌داد؛ چون کالای ضروری و مورد نیاز نبود. تورم سال ۶۴ رکورد سال‌های بعد از انقلاب را دارد که حدود ۶۰۹ درصد بود که آن‌هم نه ناشی از رکود، بلکه ناشی از افزایش عرضه بود. با وجودی که بلد نبودیم، سرمایه‌گذاری‌های زیادی شکل گرفت. هر دستگاهی برای خودش آنچه را تشخیص می‌داد مهم است، روی آن سرمایه‌گذاری می‌کرد. با همه مشکلات و محدودیت‌هایی که داشتیم مطلوب‌ترین شاخص‌های کلان اقتصادی در سال ۶۴ به وجود آمد.

دوره سوم دوره بحران بود؛ یعنی سال‌های ۶۵ و ۶۶. در اواخر سال ۶۴ به شکل ناگهانی قیمت نفت سقوط کرد. در زمان آقای احمدی‌نژاد نفت به ۱۴۰ دلار رسید، اما الان به حدود ۴۰ دلار رسیده است. آن موقع هم قیمت نفت به صورت وحشتناک و ناگهانی از بشکه‌ای حدود ۲۶ دلار، به بشکه‌ای هفت دلار و حتی پنج دلار رسید. من آن موقع مسئول رابطه با ترکیه بودم. سال‌به‌سال پروتکل می‌نوشتیم و معاملات پایاپای با ترک‌ها داشتیم. هر کاری کردیم درباره قیمت نفت به توافق نمی‌رسیم؛ زیرا آنها خبرهایی داشتند که ما نداشتیم و می‌گفتند بعدا درباره نفت صحبت می‌کنیم. ۱۵ روز و یک ماه که گذشت قیمت نفت افتاد.

این مسئله با حملات هوایی - موشکی عراق به تأسیسات نفتی هم‌زمان شد. خطوط لوله انتقال نفت شبانه‌روز بمباران می‌شد. صادرات نفتی ما در سال‌های ۶۵، ۶۶، ۶۷ حدود یک میلیون بشکه در روز بود؛ مثل حالا که تحریم هستیم. آن موقع تحریم نبودیم و سهمیه‌مان هم در اوپک ۲/۲ میلیون بشکه بود که در اثر بمباران‌ها به یک میلیون بشکه در روز کاهش یافته بود. ظرف یکی، دو ماه استراتژی شرایط نوین اقتصادی تدوین شد. آن موقع ما برنامه پنج‌ساله هم در کشور نداشتیم. تا ساعت شش، همه در جلسه بودند و بعد هم به وزارتخانه‌ها می‌رفتند. هر کس باید گزارشی می‌داد و طرحی ارائه می‌کرد که در شورا باید تصویب می‌شد. ساعت ۱۰ شب طرح را به سازمان مدیریت می‌فرستادند و ۱۲ شب در آنجا بررسی می‌شد و صبح ساعت هشت در جلسه مطرح می‌شد تا بتوانیم جمع‌بندی کنیم. استراتژی شرایط نوین اقتصادی، مجموعه اقداماتی بود که باید با آن وضعیت ارزی انجام می‌گرفت. ما سالی هفت میلیارد دلار درآمد ارزی داشتیم. آن موقع کل صادرات غیرنفتی ما کمتر از یک میلیارد دلار بود که آن‌هم فرش و زیره و پنبه و... بود . در استراتژی شرایط نوین، در سال آخر صادرات غیرنفتی به ۱۰۳ میلیارد دلار رسید. سه میلیارد دلار از این هفت میلیارد دلار درآمد ارزی، به بخش دفاع اختصاص می‌یافت. آنهایی که می‌گویند در دوران جنگ به دفاع توجه نشد با عدد و رقم بیایند و بگویند من دروغ می‌گویم. سه میلیارد دلار تحت نظر شورای عالی دفاع به جنگ و سه میلیارد دلار به کالاهای اساسی اختصاص می‌یافت. یک میلیارد دلار می‌ماند که با آن باید کشور را اداره می‌کردیم. خدا حفظ کند آقای زنگنه را که آن موقع جوان‌تر و شاداب‌تر بود. در جلسه شورای عالی اقتصاد می‌گفت ما داریم امت هوازی تربیت می‌کنیم؛ یعنی امتی که هیچی جز هوا نخورد. واقعیت این بود که در تمام آن شرایط به سهم کالای اساسی دست نخورد؛ چون قحطی و گرسنگی پیش می‌آمد. در سال‌هایی که موشک‌باران زیاد شد، کمیسیون پشتیبانی و صنعتی در دولت شکل گرفت. در آن کمیسیون طرح ساخت پناهگاه را داشتیم. بعضی از دوستان به ما بد و بیراه می‌گفتند که آقا ما در جبهه‌ها این‌قدر کمبود داریم حالا شما در پشت جبهه پناهگاه می‌سازید. نمی‌توانستیم به آنها بگوییم که اگر مردم پناهگاه و سرپناه نداشته باشند و یک لقمه نان هم نداشته باشند که دیگر کسی جبهه نمی‌آید. اولین کاری که براساس مصوبات شورای اقتصاد انجام دادیم، این بود که تحقیقات تمام تولیدات ارزبَر تعطیل شد. شاید باورتان نمی‌شود که شرکت ایران‌خودرو ۱۳ هزار پرسنل داشت و ۶۵۰۰ نفر را بازخرید کرد.

ادامه در صفحه ۵

بازار هفته

اوراق خزانه اسلامی، اتفاقی جدید در بازارهای پولی و مالی



محسن قادری
تحلیلگر بازارهای ارز طلا و بورس

● این هفته هم در بازار سرمایه، هفته‌ای بی‌رونق، کم‌معامله و رو به پایین را تجربه کردیم؛ بازار سرمایه از نبود نقدینگی و رکود شدید و بی‌سابقه صنایع مختلف رنج می‌برد. رکودی که ناشی از سیاست‌های نادرست مدیران دولت قبلی و تحریم‌ها بوده است، در اینکه مدیران دولت جدید اولویت اول خود را در زمینه اقتصاد، کنترل تورم قرار داده‌اند و به نسبت در آن موفق بوده‌اند نیز شکی نیست، اما آیا شرایط به همین شکل می‌تواند ادامه یابد؟ اینکه دولت جدید برای ادامه مسیر و خروج از تورم برنامه‌ای دارد، یا همه مسائل را به گذر زمان و رفع تحریم‌ها سپرده است، جای سؤال است. در هفته‌ای که گذشت اتفاق جدید و شاید مبارکی که در بازارهای پولی و مالی افتاد، معرفی اوراق خزانه اسلامی بود؛ اوراقی که مشابه آن سال‌ها در بازارهای مالی پیشرفته بوده است؛ این اوراق بدون پرداخت سود دوره‌ای (کوپن) هستند.

در این جنس از اوراق بدهی، در واقع تعهد پرداخت مبلغ مشخصی در آینده به تنزیل، امروز به سرمایه‌گذار فروخته می‌شود. اوراقی که هفته گذشته با عنوان اوراق خزانه اسلامی به فروش رسید، از این نمونه اوراق است؛ درواقع تعهد شده است، در پایان سال به ازای هر برگه ۱۰۰ هزار تومان پرداخت شود. با کشف قیمت نزدیک به ۹۰هزار تومانی این اوراق، نرخ مؤثر آنها نزدیک به ۲۶درصد خواهد بود. این اوراق در بازار ثانویه فروخته می‌شود و با تغییر قیمت نرخ مؤثر آن نیز تغییر می‌کند. پیش از این تأمین سرمایه کاردان با همکاری کارگزاری فارابی، نرخ اوراق مشارکت مشهد را نیز شناور کرده بودند، که تجربه نسبتا موفقی بوده است.

اما سؤال مهم این است آیا دولت از این روش‌ها برای به تأخیرانداختن بدهی‌های سنگین خود به مجموعه پیمانکاران استفاده می‌کند، یا واقعا به‌دنبال تنوع‌بخشی به ابزارهای مالی است؟ اگر دولت برای فروش و واگذاری این اوراق به طلبکارانش برنامه مشخصی نداشته باشد، بازارها دچار رکودی شدیدتر خواهند شد، از طرفی تفاوت معنادار نرخ ۲۶درصدی این اوراق با نرخ تورم نشان از این دارد که فعالان بازار، نرخ تورم را درست نمی‌دانند و انتظارات تورمی بازار بیش از تورم موجود در کشور است.

دولت قبلی به‌خاطر مقاصد سیاسی برای چندین دولت پس از خود نیز بدهی و طرح عمرانی باقی گذاشته و بانک‌ها را در حال نیمه ورشکسته به دولت جدید تحویل داده است. دولت تدبیر و امید با این روش‌ها فقط می‌تواند ورشکستگی بانک‌ها را به تأخیر بیاندازد و باید به دنبال روش‌های دیگری باشد، اما پیش از تمام اینها باید ترازهای مالی بانک‌ها را به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای پولی و مالی کشور شفاف کند و در صورت نیاز آنها را به‌طور کامل دولتی کند.

از سویی قیمت ارز را به شکل واقعی شناور و شرکت‌ها را به معنای واقعی خصوصی کرده و نقش نظارتی خود را گسترش دهد و برنامه خروج از رکود را برای همه شفاف کند.

از طرفی بازارهای دیگر نیز در این هفته کمی حیران بودند. سردرگمی فدرال رزرو برای تغییر نرخ بهره، به بازارهای جهانی هم سرایت کرده است، طلا بعضی روزها دو درصد در یک جهت حرکت می‌کند و فردا همان مسیر را باز می‌گردد. نفت نیز در وضعیت مشابه قرار دارد. تا زمانی که بانک مرکزی آمریکا، برنامه مشخص و زمان‌بندی برای افزایش نرخ بهره را به بازارها ارائه ندهد و چین برنامه ضد رکودش را شفاف‌تر نکند، این سردرگمی بازارها باقی خواهد بود.

ارز *	قیمت(تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۴۶۸	⇩
یورو	۳۹۱۵	⇩
پوند	۵۲۵۰	⇩
درهم	۹۴۹	⇩

طلا و سکه *	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۱۴۰۰۰	⇩
طرح قدیم	۹۱۳۰۰۰	⇩
نیم	۴۶۴۰۰۰	⇩
ربع	۲۵۵۰۰۰	⇩
گرمی	۱۶۹۰۰۰	-
گرم ۱۸ عیار	۹۳۶۰۰	⇩
اونس * (دلار)	۱۱۱۳	-

عنوان شاخص	۱ مهر	۸ مهر	تغییر
کل	۶۱۶۸۶	۶۱۴۹۸٫۳	-۱۸۷٫۷
شاخص قیمت	۲۴۱۶۳٫۸	۲۴۰۹۰٫۲	-۷۳٫۶
شاخص کل (هموزن)	۹۵۸۵٫۷	۹۵۷۳٫۸	-۱۱٫۹
شاخص قیمت (هموزن)	۸۱۷۸٫۹	۸۱۶۸٫۸	-۱۰٫۱
آزاد شناور	۶۸۵۱۸٫۴	۶۸۱۰۶٫۷	-۴۱۱٫۷
۵۰ شرکت بزرگ	۲۵۱۶٫۸	۲۵۰۹٫۸	-۷

آنچه را که باید بدانیم
فلزیاب کتاب
۰۹۱۲۶۸۳۱۰۰۴
جهت دریافت کتاب و کاتالوگ به‌صورت رایگان به سراسر کشور آدرس و شماره تلفن و کد پستی خود را پیامک نموده و یا به شماره پیامگیر اعلام فرمائید.
مراجعه حضوری: تهران، فارس - باقری - ۲۱۶ غربی به سمت اردیبهشت پ ۳۴
پیامگیر: ۰۲۱-۷۷۰۷۱۴۶۲ پیامک: ۰۹۱۹۴۲۰۹۵۹۹
TJA777.COM


روزنامه شرق
تحویل روزنامه درب منزل یا محل کار شما
بدون هزینه ارسال
۸۸۲۰۹۵۹۳
۸۸۱۹۸۹۶۶

اناالله و انا الیه راجعون

مردم عزیز شهرستان بندر ترکمن ، خاندان‌های محترم کر و نازقلیچی

درگذشت جانکاه سرکار خانم مرجان نازقلیچی فرماندار محترم شهرستان ترکمن را خدمت شما تسلیت عرض کرده و از صمیم قلب برای روح آن مرحوم آرامش و برای خانواده محترم صبر آرزومندیم.

محمدرضا قرآنی، کاظم علاءالدین، شکرالله علاالدین، شیخ رامشینی، مجتبی رجنی، نصرت میرعرب، رضا جعفری، فایزه عبداللهی، ابراهیم درازگیسو، محمدهاشم مهینی، رضی قدس علوی، حسین رفعتی، کلثوم غفاری، مصطفی سبطی، صدیقه نصیری، عاطفه پهلوان، زهرا نورا، نرگس رحمانی، سیدمحمد خسروی، سیدعلی خسروی، یحیی بارچیان، اکبر پریچهر، ابراهیم کریمی، محسن مهینی، ابوالفضل احمدی، جبار ایری، سیدسبحان حسینی، حسین کبیر، امیرعبدالسلام مهینی، سیدمهدی سیف حسینی، نسرین اکبری‌نژاد، مریم قرانی، احسان مکتبی، امیر بهادران، اشرف حسین نژاد، محدثه مهینی، شیما سادات‌شریف، زلیخا عادلی، زبیده سوقی، خدیجه پوری، نورالله کر، یاسر کر، اسماییل اسلامی، اصغر فضیلت، محمد ناطقی، حسین شیخ‌ویسی، محمود سالاری، عالیه یعقوب‌زاده، عبدالله میراکبری، محمود ربیعی، ابوالقاسم صفوی، جواد قدس‌علوی، محمد مهینی، محمدرضا کریمی، اسماعیل اسلامی، سیاوش بسطامی، روح‌الله کلانتری، رامین اخلومدی، غلامرضا حاتمی، حمید بارچیان، یوسف رستمانی، رمضان حاجی‌مشهدی، عبدالله شاهینی، علیرضا عبداللهی، کلثوم کریم آبادی، هاجر عامریان، نیکان آرخی، فاطمه کیقبادی، مهلا بهمنی، ملیحه سبطی، محسن نجفی‌نژاد، جواد مکتبی، حامد بارچیان، علی بادپا، محمد قربانی، محمد نورآبادی، محسن عالمی، محسن خواجوی، علی نصیبی، محمد رفعتی، حسین نقاشی، بهمن برنادل، محمدرضا مروتی، سیدعلی میرخاندوزی، یاسر محمدشفیع، امین قلعه‌ای، امیررضا رضایان، مهدی بهزادیان، فرشاد توماج، احمد خاندوزی، علیرضا شاطری، مرتضی ایزدی، محمد زنگانه، علی خاری، ماکان فروتن، مهدی صفایی، صادق سالاری، کامل آرخی، علی‌اکبر قجری، محمد کیقبادی، عبدالرضا چراغعلی، الهه موسوی، فروزان آصف‌نخعی، جواهر رایج، عباس باقری، صفر برزمینی، رضا محمدخانی، جواد قدس‌علوی، فاطمه نصیری، روح‌الله مهینی